مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024
۸۹-۱۰۴
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

# نقد شهرسازی و معماری ایران[1] از دیدگاه سفرنامه‌نویسان سده‌های دهم تا دوازدهم هجری

**نجمه صنمی:** دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
**محسن طبسی*:** دانشیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
**وحید احمدی:** استادیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

## چکیده

دوره صفوی، یکی از ادوار مهم فرهنگی و اجتماعی و از نقاط عطف تاریخ معماری ایران است. موقعیت ممتاز و جاذبه‌های اقتصادی ایران در آن روزگار سبب شد تا جهانگردان بسیاری به ایران آیند که سفرنامه‌هایشان، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ معماری ایران به‌شمار می‌روند. کمبود اسناد و منابع مکتوب در باب شهرسازی و معماری، ضرورت مطالعه و تأمل در سفرنامه‌ها را دوچندان می‌کند. هدف تحقیق، بر نقد شهرسازی و معماری ایران در دوره صفوی از منظر سفرنامه‌نویسان اروپایی تمرکز دارد و در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است که از دیدگاه جهانگردان اروپایی، چه انتقاداتی بر شهرها و بناهای ایران در سدههای دهم تا دوازدهم هجری وارد شده است؟ و از انتقادات وارده، کدام‌یک قابل اعتنا و کدام‌ها، فاقد اعتبار هستند. تحقیق حاضر، یک تحقیق کیفی است که به شیوه تفسیری- تاریخی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که گزاره‌های انتقادی استخراج‌شده از متن سفرنامه‌ها، مواردی همچون سیمای شهر، نظم کوچه‌ها، پاکیزگی معابر، مخروبه بودن بناها، عدم توجه به تعمیر و نگهداری، عدم وجود مبلمان داخلی، هزینه‌های ساخت‌وساز و مواردی دیگر را در برمی‌گیرند. از نظر اعتبار گزاره‌ها، عبارات عینی که به‌دفعات تکرار شده‌اند، گزاره‌هایی قابل‌اعتبار هستند اما از آنجا که عبارات ذهنی به شنیده‌ها، باورها، تفسیرها و تحلیل‌های نویسنده اتکا دارند لذا در بررسی اعتبار علمی آن‌ها باید ملاحظاتی همچون هدف سفر و مأموریت نویسنده، مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک اعتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه را نیز در نظر گرفت.

**واژگان کلیدی:** نقد، شهرسازی، معماری، سفرنامه، دوره صفوی.

**Criticism of Iran's Urban Planning and Architecture from the Viewpoint of Travel Writers from the 10th to the 12th Centuries**

**Abstract**

The Safavid period is one of the most important cultural and social periods in the history of Iranian architecture. Iran's location and economic attractions at that time caused many travelers to come to Iran, whose travelogues are considered one of the most important documents of Iranian architecture. The purpose of the research focuses on the critique of Iran's urban planning and architecture in the Safavid period from the viewpoint of European travel writers. It seeks to find an answer to these questions, what criticisms were made of the cities and buildings of Iran in the 10th to 12th centuries of Hijri? And which ones are valid? The research is qualitative research that was conducted in an interpretative-historical way. The results of the research show that the critical propositions extracted from the text of the travelogues include things such as the appearance of the city, the order and the cleanliness of the alleys, the deterioration of the buildings, maintenance, interior furniture, construction costs, and other issues. In terms of the validity of statements, objective statements that have been repeated many times are valid. Subjective statements rely on the author's hearsay, beliefs, interpretations, and analyses. For scientific validity of subjective statements, researchers should also pay attention to the purpose and mission of the author, the main audience of the travelogue, the author's inability to understand the beliefs of Iranians, the political goals and racial, ethnic, and religious prejudices of the author of the travelogue.

**Keywords**: Criticism, Urban Planning, Architecture, Travelogue, Safavid Period.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است که با عنوان «**تدوین مدل مفهومی معماری دوره صفوی بر اساس سفرنامه‌های سده‌های دهم تا دوازدهم هجری**» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد در حال انجام است.

* نویسنده مسؤول: mohsentabasi@mshdiau.ac.ir و tabassi_mohsen@yahoo.com و mohsentabassi48@gmail.com

[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

## ۱. مقدمه

دوره صفوی را می‌توان و باید یکی از ادوار مهم تاریخ ایران، به‌ویژه تاریخ فرهنگی و اجتماعی و نقطه عطفی در تاریخ معماری این سرزمین دانست. به همین سبب، عمده منابع تاریخی برجای‌مانده از دوره صفوی، ارزش و اهمیت ویژه‌ای در شناخت معماری ایران دارند. از سویی دیگر، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و جاذبه‌های اقتصادی ایران در روزگار صفوی سبب شد تا جهانگردان بسیاری با مقاصد گوناگون، به ایران آیند که اغلب ایشان پس از بازگشت، به نگارش خاطرات سفر پرداختند و بدین ترتیب، منابع ارزشمندی برای مطالعه آیندگان برجای نهادند.

سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی که در سال‌های اخیر مورد اقبال پژوهشگران بوده‌اند، یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ معماری ایران تلقی توانند شد. سفرنامه‌ها به‌طور عام و فارغ از موضوع آن یا اغراض نویسنده، غالباً حاوی اطلاعات نسبتاً دقیقی از شهرسازی و معماری ایران هستند. از این منظر، سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری که تقریباً مصادف با برآمدن و افول دوره صفوی است، به‌واسطه این‌که این دوره، سرآغاز ارتباط با دنیای غرب و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانیان بوده است، اهمیت ویژه‌ای دارند. اهمیت این دسته از منابع و نیز کمبود اسناد و منابع مکتوب در باب تاریخ شهرسازی، معماری به‌طور عام، ضرورت مطالعه و تأمل در سفرنامه‌ها را دوچندان می‌کند.

هدف اصلی این تحقیق بر نقد شهرسازی و معماری ایران در دوره صفوی از منظر سفرنامه‌نویسان اروپایی تمرکز دارد و در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است که از دیدگاه جهانگردان اروپایی، چه انتقاداتی بر شهرها و بناهای ایران در سدههای دهم تا دوازدهم هجری وارد شده است؟ و از انتقادات وارده، کدام‌یک قابل اعتنا و کدام‌ها، فاقد اعتبار هستند. برای یافتن پاسخ، با رویکردی کیفی و شیوه تفسیری- تاریخی، تعداد ۲۵ عنوان سفرنامه در گستره تاریخی تحقیق، موردمطالعه قرار گرفته و نقدهای نویسندگان درباره شهرها و معماری ایران استخراج، دسته‌بندی و تفسیر شده‌اند.

## ۲. پیشینه تحقیق

اغلب مقالات در حوزه پژوهش حاضر، به مطالعه سفرنامه‌ها از منظر شهرسازی پرداخته و معدود مقالاتی به معماری توجه داشته‌اند. امامی کوپائی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی زیبایی معماری از نگاه جهانگردان عصر صفوی در پنج بنای شاخص اصفهان در آن روزگار پرداخته است. روش تحقیق وی، تحلیل محتوا است و نتایج حاکی از آن است که در تجربه زیباشناسانه جهانگردان، توجه به مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی و ادراکی- معنایی به‌خوبی دیده می‌شود. مواردی همچون حیرت، تحسین، تفکر و منطق، نظم و هماهنگی، جذابیت و توجه به تزئینات از موارد مشترکی است که جهانگردان در مورد نمونه‌های موردمطالعه به آن اذعان داشته‌اند.

نیلی پور و نژاد ابراهیمی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان *عناصر سیمای شهر تفلیس بر اساس توصیف سیاحان در دوران قاجار*، با روش تحلیل محتوای کیفی، به مطالعه یازده عنوان سفرنامه پرداخته‌اند. مهم‌ترین نتایج تحقیق نشان می‌دهند که تفلیس در آن روزگار از چهار محله اصلی، شامل محله روس‌ها، محله، محله آلمانی‌ها و محله گرجی‌ها تشکیل شده بود که در محله روس‌ها و قسمت اروپایی‌نشین شهر تفلیس، راه‌های مناسب و طولانی وجود داشته است.

خلخالی و کلهر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان *بازشناسی روح معماری ایرانی بر اساس گونه شناسی رفتاری ایرانیان عصر ناصری از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی*، با روش توصیفی- تحلیلی و با هدف آشنایی با روح معماری معاصر به مطالعه اغلب سفرنامه‌های آن دوران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که روح معماری، همان مؤلفه‌های ارزشی، فرهنگی و اخلاقی رفتار آدمی است و لذا معماری عصر ناصری، بازتاب عینی رفتار دولتمردان و مردمانی است که ساختار فرهنگی عصر مذکور را شکل داده‌اند.

ورمقانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان *جست‌وجوی مفهوم خانه ایرانی با تکیه بر انطباق توصیفات تاریخی و ساختار کالبدی*، با دو رویکرد کمی و کیفی و با ترکیبی از روش‌های تحلیلی- توصیفی و تاریخی- تفسیری به مطالعه خانه‌های یزد و اصفهان پرداخته است. محقق بخش اعظم مطالعات تاریخی تحقیق را بر اساس توصیفات تاریخی سفرنامه‌ها نوشته است. اهم نتایج تحقیق نشان می‌دهند که مؤلفه‌های خانه ایرانی در خانه‌های یزد و اصفهان، دارای اولویت‌های متفاوتی هستند.

حقیر و صلواتی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان *تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوره قاجار*، با روش تفسیری- تاریخی به مطالعه ۲۱ عنوان سفرنامه دوره قاجار متأخر (تا ۱۳۳۹ ه.ق) پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که مدرنیته ایرانی (که با مدرنیته غربی متفاوت است) با توجه به مسایل و دغدغه‌های درونی و بومی خود، به برخی دستاوردهای مدرنیته در معماری و شهرسازی توجه بیشتری نشان داده است و بدین ترتیب، با توجه به ملزومات و نیازهای بومی، تفسیری اینجایی و گزینشی از مدرنیزاسیون ارائه داده است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

اعطا و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان *جستاری روایت شناسانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها (نمونه موردی باغ‌های تهران در دوره قاجار)*، به بررسی متون تاریخی و سفرنامه‌های متعدد دوره قاجار پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مقاله، دیدگاه سفرنامه‌نویسان پیرامون مفهوم باغ را می‌توان در سه صورت روایت باغ‌های اقامتی، باغ‌های حکومتی و باغ‌های تفرجگاهی دسته‌بندی کرد.

عسگری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان *خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس با استناد به سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری*، به مطالعه سفرنامه‌ها با هدف تبیین مفهوم حریم پیرامون اماکن مقدس پرداخته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که حرمت‌گذاری و حریم‌گذاری در دو بعد کالبدی و فراکالبدی باید موردتوجه قرار گیرد. ابی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله بازخوانی ساختار شهر اردبیل در دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولئاریوس و مطالعه تطبیقی نقشه‌های دیگر، به بازآفرینی ساختار شهر اردبیل در دوره صفوی، بر اساس عناصر شهری پرداخته‌اند

ثواقب و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان *ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی*، به تصویر ارایه‌شده از شهرهای ایران در سفرنامه‌های عهد ناصری پرداخته و معتقدند که شهر ایرانی در عصر ناصری با تحولات فضایی- کالبدی و محتوایی همراه شده است که تحولات کالبدی آن، درون‌مایه تجدد غرب را به همراه داشته و عناصر محتوایی آن متأثر از مکتب تهران بوده است.

فارسیان و قاسمی آریان (۱۳۹۷) در مقاله *بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی*، به این نتیجه رسیده‌اند که روایت نویسنده، موضوعاتی متنوع و از جمله شهرسازی و معماری را تصویرسازی کرده و تقابل میان خود اروپایی و دیگری شرقی را نمایان می‌سازد. حسینی زاده مهرجردی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان *بازخوانی عناصر هویت‌بخش معماری و شهرسازی یزد در سفرنامه ابراهم جکسون*، با روشی توصیفی- تحلیلی به مطالعه سفرنامه جکسون پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ایران در عهد قاجار در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت داشته است.

جمع‌بندی مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که شیوه مناسب برای این تحقیق، شیوه تفسیری- تاریخی است که بر تحلیل محتوای متن استوار است. همچنین در تحقیق‌های انجام‌شده، کمتر به نقدی که جهانگردان بر معماری و شهرسازی ایران وارد کرده‌اند توجه شده و عموم پژوهشگران، به توصیف‌های سفرنامه‌نویسان مبنی بر تعریف و تمجید از عظمت و شکوه معماری ایران، اقبال بیشتری داشته‌اند.

## ۳. روش تحقیق

با توجه به این‌که در تحقیق تفسیری، جستجوی پدیده‌های کالبدی به‌صورت روایی و کل‌نگرانه انجام می‌شود (ونگ، ۱۳۸۳: ۶۸) لذا روش برگزیده در این تحقیق، دارای پارادایم کیفی است و به شیوه تفسیری- تاریخی انجام شده است. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی صورت پذیرفته است. از بین سفرنامه‌های متعدد نگاشته‌شده در گستره زمانی تحقیق (سده ۱۰ تا ۱۲ ه.ق.) ابتدا ۲۵ عنوان سفرنامه با توجه به معیارهای زیر برگزیده شدند.

- سفرنامه‌های برگزیده، حتماً ترجمه و چاپ شده باشند.
- نسخه‌ای از سفرنامه‌های برگزیده (چاپی یا الکترونیکی) در دسترس پژوهشگر باشد.
- سفرنامه‌های برگزیده دارای مطالبی در باب شهرسازی و معماری باشند.
- سفرنامه‌های برگزیده، پوشش و انطباق کامل با گستره زمانی تحقیق داشته باشند. (جدول ۱)



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

جدول ۱. **فهرست مهم‌ترین سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.**

| ردیف | عنوان کتاب | نام نویسنده | شغل/ قصد از سفر | ملیت | سال سفر یا نگارش کتاب |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | **بیان منازل** | نصوح مطراق‌چی (۱۵۶۴- ۱۴۸۰ م.) Nasuh Matrakci | ریاضی‌دان، نویسنده و مورخ | بوسنی | ۹۴۰ ه.ق/ ۹۱۲ ه.ش/ ۱۵۳۳ م. |
| ۲ | **مرآت الممالک** | سیدی علی رئیس (کاتبی) (۱۵۶۳- ۱۴۶۳ م.) | دریاسالار و ادیب | عثمانی | ۹۶۴ ه.ق/ ۹۳۵ ه.ش/ ۱۵۵۶ م. |
| ۳ | **سفرنامه برادران شرلی** | آنتونی شرلی (۱۶۳۵- ۱۵۶۵ م.) Anthony Shirley رابرت شرلی (۱۶۲۸- ۱۵۸۱ م.) Robert Shirley | جهانگرد | انگلیس | ۱۰۰۸ ه.ق/ ۹۷۸ ه.ش/ ۱۵۹۹ م. |
| ۴ | **ایتر پرسیکوم** | ژرژ تکتاندر فن‌در یابل (۱۶۱۴-؟ م.) George Tectander Vander Iabel | سفیر و دیپلمات | آلمان | ۱۰۱۳ ه.ق/ ۹۸۳ ه.ش/ ۱۶۰۵ م. |
| ۵ | **سفرنامه فیگوئروا** | دن گارسیا سیلوا فیگوئروا (۱۶۲۴- ۱۵۵۰ م.) Garcia de Silva Figueroa | سفیر و دیپلمات | اسپانیا | ۱۰۳۰- ۱۰۰۶ ه.ق/ ۹۹۹- ۹۷۶ ه.ش/ ۱۶۲۱- ۱۵۹۸ م. |
| ۶ | **سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)** | پیترو دلاواله (۱۶۵۲- ۱۵۸۶ م.) Pietro Della Valle | نویسنده، خاورشناس و جهانگرد | ایتالیا | ۱۰۲۵ ه.ق/ ۹۹۵ ه.ش/ ۱۶۱۷ م. |
| ۷ | **سفرنامه کاتف** | فدت آفاناس یویچ کاتف | بازرگان | روسیه | ۱۰۳۲ ه.ق/ ۱۰۰۱ ه.ش/ ۱۶۲۳ م. |
| ۸ | **سفرنامه توماس هربرت و گزارش رابرت استودارت** | تامس هربرت (۱۶۸۲/ ۱۶۰۶ م.) Thomas Herbert | دیپلمات | انگلیس | ۱۰۳۶ ه.ق/ ۱۰۰۵ ه.ش/ ۱۶۲۷ م. |
| ۹ | **سفرنامه استودارت** | رابرت استودارت Robert Stodart | دیپلمات | انگلیس | ۱۰۳۷ ه.ق/ ۱۰۰۶ ه.ش/ ۱۶۲۸ م. |
| ۱۰ | **اولین سفرای ایران و هلند** | یان اسمیت Ian Smith | دیپلمات | هلند | ۱۰۳۷ ه.ق/ ۱۰۰۶ ه.ش/ ۱۶۲۸ م. |
| ۱۱ | **سیاحت‌نامه اولیا چلبی** | اولیا چلبی (۱۶۸۲- ۱۶۱۱ م.) Evliya Celebi | کاشف و جهانگرد | عثمانی | ۱۰۵۰ ه.ق/ ۱۰۱۹ ه.ش/ ۱۶۴۰ م. |
| ۱۲ | **سفرنامه تاورنیه** | ژان باتیست تاورنیه (۱۶۸۹- ۱۶۰۵ م.) Jean Baptiste Tavernier | بازرگان و جهانگرد | فرانسه | ۱۰۷۸- ۱۰۴۱ه.ق/ ۱۰۴۶- ۱۰۱۰ ه.ش/ ۱۶۶۸- ۱۶۳۲ م. |
| ۱۳ | **سفرنامه آدام الئاریوس (بخش ایران)** | آدام الئاریوس (۱۶۷۱- ۱۶۰۳ م.) Adam Olearius | ریاضی‌دان و جغرافی‌دان | آلمان | ۱۰۶۴ ه.ق/ ۱۰۳۲ ه.ش/ ۱۶۵۴ م. |

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

| ردیف | عنوان کتاب | نام نویسنده | شغل/ قصد از سفر | ملیت | سال سفر یا نگارش کتاب |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱۴ | **سیاحت‌نامه شاردن** | ژان شاردن (۱۷۱۳- ۱۶۴۳ م.) Jean Chardin | جواهرفروش و جهانگرد | فرانسه | ۱۰۸۷- ۱۰۷۴ه.ق/ ۱۰۵۵- ۱۰۴۲ ه.ش/ ۱۶۷۷- ۱۶۶۴ م. |
| ۱۵ | **زیبایی‌های ایران** | آندره دولیه دلاند (۱۷۱۵- ۱۶۲۱ م.) | جهانگرد و نویسنده | فرانسه | ۱۰۷۵ ه.ق/ ۱۰۴۲ ه.ش/ ۱۶۶۴ م. |
| ۱۶ | **سفرنامه آبه کاره در ایران** | بارتلمی آبه کاره (۱۷۰۰- ۱۶۴۰ م.) Barthelemy Abbe Carre | جهانگرد و کارگزار | فرانسه | ۱۰۸۵- ۱۰۸۳ه.ق/ ۱۰۵۲- ۱۰۵۰ ه.ش/ ۱۶۷۴- ۱۶۷۲ م. |
| ۱۷ | **سفرنامه سانسون** | نیکلا سانسون Nicola Sanson | کشیش و مبلغ مذهبی | فرانسه | ۱۰۹۴ ه.ق/ ۱۰۶۱ ه.ش/ ۱۶۸۳ م. |
| ۱۸ | **سفرنامه کمپفر** | انگلبرت کمپفر (۱۷۱۶- ۱۶۵۱ م.) Engelbert Kaempfer | پزشک و طبیعی‌دان | آلمان | ۱۰۹۶- ۱۰۹۴ ه.ق/ ۱۰۶۳- ۱۰۶۱ ه.ش/ ۱۶۸۵- ۱۶۸۳ م. |
| ۱۹ | **گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی** | گرگوریو پریرا فیدالگو Gregorio Pereira Fidalgo | سفیر و دیپلمات | پرتغال | ۱۱۰۸ ه.ق/ ۱۰۷۵ ه.ش/ ۱۶۹۷ م. |
| ۲۰ | **سفرنامه کاری** | جووانی فرانچسکو جملی کاری (۱۷۲۵- ۱۶۵۱ م.) Giovanni Francesco Gemelli Careri | جهانگرد و نویسنده | ایتالیا | ۱۱۰۹ ه.ق/ ۱۰۷۶ ه.ش/ ۱۶۹۸ م. |
| ۲۱ | **سفیر زیبا** | ماری کلود پتی | دیپلمات | فرانسه | ۱۱۱۷ ه.ق/ ۱۰۸۴ ه.ش/ ۱۷۰۶ م. |
| ۲۲ | **سفرنامه کروسینسکی** | تادیوزیودار کروسینسکی (۱۷۵۶- ۱۶۷۵ م.) Tadeusz Jude Kru-sinski | کشیش و مبلغ مذهبی | لهستان | ۱۱۳۷- ۱۱۱۹ه.ق/ ۱۱۰۳- ۱۰۸۵ ه.ش/ ۱۷۲۵- ۱۷۰۷ م. |
| ۲۳ | **سفارت‌نامه‌های ایران** | جمعی از سفرای عثمانی | سفیر و دیپلمات | عثمانی | از سلطان حسین تا فتحعلی‌شاه |
| ۲۴ | **سفرنامه ژان اوتر (عصر نادر شاه)** | ژان اوتر (؟- ۱۷۰۷ م.) Jean Otter | مترجم، سفرنامه‌نویس و نقاش | فرانسه | ۱۱۴۸ ه.ق/ ۱۱۱۴ هش./ ۱۷۳۶ م. |
| ۲۵ | **سفرنامه کارستن نیبور** | کارستن نیبور (۱۸۱۵- ۱۷۳۳ م.) Carsten Niebuhr | جهانگرد، نقشه‌نگار و ریاضی‌دان | آلمان | ۱۱۷۸ ه.ق/ ۱۱۴۳ ه.ش/ ۱۷۶۵ م. |

در ادامه تحقیق، تعداد ۲۵ نسخه چاپی یا الکترونیکی از سفرنامه‌ها فراهم آمده و موردمطالعه قرار گرفتند. از بین ۲۵ عنوان سفرنامه مذکور فقط تعداد ۱۱ عنوان سفرنامه، نگاه انتقادی به موضوعات گوناگون معماری داشته که موردمطالعه دقیق و یادداشت‌برداری قرار گرفته‌اند. این سفرنامه‌ها به ترتیب تاریخ عبارت‌اند از سفرنامه برادران شرلی، ایترپرسیکوم، سفرنامه فیگوئروا، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، سفرنامه کاتف، سفرنامه تاورنیه، سفرنامه آدام الئاریوس (بخش ایران)، سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان)، سفرنامه سانسون، سفرنامه کمپفر و سفرنامه کاری.

- **برادران شرلی:** برادران شرلی (آنتونی و رابرت) در زمان شاه‌عباس اول صفوی (حدود سال ۱۰۰۷ ه.ق) و با



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

اهداف سیاسی به ایران آمدند. تلاش این دو برادر برای تحریک کشورهای اروپایی به همدستی با ایران در جنگ با عثمانی بی‌نتیجه ماند. سفرنامه این دو برادر، مشاهدات آنان از اوضاع‌واحوال ایران، وضع راه‌ها و اخلاق و عادات ایرانیان را شرح می‌دهد.

- **ژرژ تکتاندر فن‌در یابل:** ژرژ تکتاندر فن‌در یابل، منشی مخصوص سفیر امپراتور آلمان در دربار صفوی بود که پس از مرگ سفیر، مأموریت وی را پیگیری کرد. کتاب ایتر پرسیکوم، گزارشی است از سفر به ایران که به امپراتور آلمان تسلیم شده است.
- **گارسیا د سیلوا فیگوئروا:** فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول صفوی بود. وی در مأموریت خود اقدامات سیاسی مهمی از جمله پیمان اتحاد سه قدرت ایران، پرتغال و اسپانیا در مقابل امپراطوری عثمانی را به انجام رساند. کتاب سفرنامه فیگوئروا درواقع، رساله‌ای سیاسی و تاریخی است که در آن بسیاری از حوادث سیاسی و رخدادهای مشرق زمین ذکر شده و بنا بر نظر اغلب مورخان ایرانی و خارجی، از معتبرترین منابع، به‌ویژه در رابطه با شاه‌عباس اول به‌شمار می‌آید.
- **پیترو دلاواله:** دلاواله، جهانگرد ایتالیایی، با مقاصد سیاسی در سال ۱۰۲۰ ه.ق به دربار شاه‌عباس اول آمد. سفرنامه وی، مشتمل بر نامه‌های متعددی است که در هرکدام، وقایع مشاهده‌شده، همچون آداب‌ورسوم و مسایل دربار شاه‌عباس و شرح جنگ‌هاي او با عثمانی را با دقت تمام توصیف کرده است. دلاواله در سفر به ایران، دو هدف عمده را تعقیب می‌کرد. نخست، حضور و مشارکت در لشکرکشی علیه ترکان عثمانی و گرفتن انتقام جنایت‌هایی است که ترکان عثمانی در حق هم‌کیشان مسیحی او روا داشتند و دیگری، فراهم کردن امکان مهاجرت مسیحیان ساکن عثمانی به ایران.
- **فدت آفاناس یویچ کاتف:** کاتف، بازرگان روسی، شرح مشاهدات خود از ایران دوره صفوی را به رشته تحریر درآورده است. این سفرنامه، یکی از سفرنامه‌های کم‌حجم اما دقیق و صحیح برجای‌مانده از دوره صفوی به‌شمار می‌رود. کاتف آنچه از خطرهای راه، شیوه زندگی، خصوصیات اخلاقی، تجارت و صنعت مردم ایران را به چشم دیده، به قلم آورده و درنهایت، زندگی مردم اصفهان (پایتخت) را به دقت توصیف کرده است.
- **ژان باتیست تاورنیه:** تاورنیه، جهانگرد فرانسوی بین سال‌های ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ م. شش بار به مشرق زمین سفر کرد، که در این مسافرت‌ها بیش از نُه بار از ایران دیدن کرد. او در اوج قدرت حکومت صفوی (۱۰۵۲ ه.ق) به ایران آمد و اطلاعات نسبتاً جامعی درباره عادات، رسوم، افکار و عقاید مردمان؛ طرز حکومت؛ وضع و تقسیمات اداری و مشاغل درباری؛ وضع بودجه؛ اوضاع قشون؛ اعیاد، مراسم ازدواج و مرگ و سوگواری‌هاي ملی و مذهبی؛ وضع آموزش‌وپرورش و... را در سفرنامه‌اش گرد آورد.
- **آدام الئاریوس:** الئاریوس، پژوهشگر، ریاضی‌دان، جغرافی‌دان و دبیر سفیر دوک هولشتاین (فریدریک سوم) در دربار شاه صفی بود. وی در سال ۱۶۳۶ م. به ایران رسید و پس از مدتی اقامت در شماخی، اردبیل، سلطانیه و قزوین در ۱۶۳۷ م. به اصفهان آمد و به دربار راه یافت. الئاریوس، درباره دیده‌هایش از ایران دو کتاب نگاشته است. کتاب‌های او آگاهی‌های ارزشمندی از روزگار ایران پس از پادشاهی شاه‌عباس اول بر جای گذاشت و به دلیل اهمیت آن‌ها، بلافاصله به فرانسوی و انگلیسی نیز ترجمه شدند. الئاریوس به زبان فارسی چیرگی داشت و به یاری دستیاران ایرانی خود، گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه کرده است.
- **ژان شاردن:** شاردن، بازرگان و جهانگرد فرانسوی، دو بار به ایران سفر کرد. نخستین بار بین سال‌های ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ و دیگر بار بین سال‌های ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ میلادی. بنا به گفته خودش، بیشتر زمان مسافرتش، یعنی حدود ده سال را در ایران سپری کرد. او پس از مراجعت از ایران، در انگلستان سکونت گزید و ذکر دقیق مشاهدات خود را به رشته تحریر درآورد و بدین ترتیب اثر ارزشمند، مهم و مفصلی از اوضاع دوران صفوی برجای نهاد. کتاب سفرنامه شاردن بارها توسط مترجمان مختلف، به فارسی ترجمه شده و با عناوین مختلف به چاپ رسیده است.
- **نیکلا سانسون:** از زندگی سانسون، اطلاعات چندانی در دست نیست جز این‌که یک مبلّغ مذهبی مسیحی بوده که در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی برای ترویج دین مسیحیت به ایران آمده است. وی بعدها زبان فارسی را فراگرفت و سال‌های متمادی در ایران باقی ماند و درنتیجه، با بسیاری از ویژگی‌های دربار و حکومت ایران و آداب‌ورسوم ایرانیان آشنایی پیدا کرد. وی، بنا به گفته خودش، آنچه به چشم خویش دیده به رشته تحریر درآورده است.
- **انگلبرت کمپفر:** کمپفر، پزشک و جهانگرد آلمانی بود که در ۱۱۰۳ ه.ق هم‌زمان با حکومت شاه سلیمان صفوی، به ایران آمد و طی چهار سال زندگی در ایران، مشاهدات خود را درباره وضع شهرها و آداب‌ورسوم مردم و وضع دربار و صفات شاه در سفرنامه‌اش گرد آورد. ترجمه فارسی سفرنامه وی، پیشتر با نام در دربار

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

شاهنشاه ایران، به چاپ رسیده است.

- **جملی کاری:** کاری، یک جهانگرد ایتالیایی بود که در سال ۱۱۰۵ ه.ق، در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمد. سفرنامه وی، شرح مشاهده او از اوضاع شهرهای ایران و بیان آداب و سنن مردم و توصیف برخی از دهکده‌های مسیر است.

## ۴. مبانی نظری تحقیق

**۴-۱. سفر و سفرنامه نویسی:** سفر در لغت یعنی بیرون شدن از شهر خود و به محلی دیگر رفتن. خداوند متعال در قرآن‌کریم، در آیات متعددی از جمله در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسرا و آیه ۶۹ سوره مبارکه نمل، بر اهمیت و ضرورت سفر تأکید فرموده است. سفر در اسلام با هجرت تاریخ‌ساز پیامبر اکرم (ص) آغاز شد و از ایشان نقل است که **طَلَبُ العلم فَریضَةٌ عَلی کُلِّ مُسلِم وَ مُسلِمه**؛ و همچنین **اُطلُبوا العِلَم وَلو بالصین**. بر اساس همین حدیث شریف، «طلب علم فریضه است؛ و طلب باید کردن، اگر خود به چین و ماچین باید رفتن» (عین القضات، بی‌تا: ۶۴-۶۵).

امام محمد غزالی، بر اساس آموزه‌های دینی و نیازهای مسلمانان، سفر را بر پنج قسم می‌داند: سفر در طلب علم، سفر برای عبادت، سفر برای فرار از اسبابی که به حال دین مضّر است، سفر برای تجارت و طلب دنیا و سفر تماشا و تفرّج (غزالی، ۱۳۶۱: ۳۵۸-۳۶۱؛ به اختصار).

چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، اهمیت و ارزش بررسی و مطالعه تحلیلی سفرنامه‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مکتوب درباره تاریخ ایران زمین، ضرورتی انکارناپذیر است. از سویی دیگر باید اشاره کرد که به‌طورکلی، سفرها با اهداف گوناگونی ازجمله اهداف مذهبی، سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری، نظامی و ماجراجویانه صورت می‌گرفته‌اند. لذا در بررسی سفرنامه‌ها باید توجه داشت که به دلایل متعددی، از جمله اهداف و اغراض سیاسی، برداشت‌های ناصواب، عدم آگاهی به مبانی اندیشه و فرهنگ، عدم تسلط به ظرافت‌های زبان فارسی و دیگر دلایل؛ تصویر ترسیم‌شده توسط سفرنامه‌نویسان، بعضاً با واقعیات موجود جامعه در آن روزگاران، مطابقت تامّ و تمام ندارد.

**۴-۲. نقد:** نقد را در لغت، جدا کردن خوب و سره از بد و ناسره دانسته‌اند (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه نقد). نقد در اصطلاح، به بررسی و ارزیابی هر فعل یا اثری همچون کتاب، فیلم، موسیقی و ... اطلاق می‌شود. جان دیویی، فیلسوف پراگماتیست قرن بیستم، تفکر انتقادی را تفکری تأملی یا تفکر عمیق می‌داند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «بررسی فعال، پایدار و دقیق یک باور یا صورتی مفروض از دانش در پرتو زمینه‌های پشتیبان و نتایج بعدی آن» (Fisher, 2011: 2).

غرض از فعال بودن، این است که ایده‌ها و اطلاعات از کس دیگری گرفته نشده و پردازش منفعل، نشده باشد. در عوض، فرد باید خود بیندیشد، پرسش مطرح کند و به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد. منظور از پایداری و دقیق بودن هم این است که بدون فکر کردن درباره چیزی به نتیجه‌گیری ناگهانی پرداخته نشود. مهم‌ترین نکته در تعریف دیویی، زمینه‌هایی است که از باور موردنظر پشتیبانی می‌کند. در واقع، آنچه دیویی مهم می‌داند، دلایلی است که برای باورهای‌مان داریم و نتایجی است که این باورها به دنبال دارند (Ibid: 5).

با ورود انسان به دنیای مدرن، مفهوم تفکر انتقادی سبب تسریع در گسست از جهان سنتی شد. ریشه‌های تفکر انتقادی را باید در سده‌های ۱۶ و ۱۷ اروپا جستجو کرد، یعنی همان روزگاری که ایرانیان همچنان به آداب و تفکر سنتی خود پای‌بند بودند و جهانگردانی که به ایران می‌آمدند در اثر آشنایی با تفکر انتقادی، در پی نقد هر فعل و اثری بودند.

تفکر انتقادی بر ارزش‌هایی همچون منطق، روشن‌اندیشی، بداهت و کشف تناقض استوار است. پژوهشگران برای اندیشه انتقادی، دو گونه برشمرده‌اند: یکی خودخواهانه یا سفسطه‌ای، که فرد سعی می‌کند با استفاده از قدرت تحلیل خود به منافع شخصی برسد؛ و دیگری درست‌بینی یا بی‌طرفی، که در آن فرد سعی می‌کند تمام جوانب امر را به‌صورت یکسان و بدون ارجحیت دادن به دلایل احساسی و منفعت‌طلبانه ببیند (Paul and Elder, 2002: 11). هر دو نوع تفکر انتقادی را در سفرنامه‌ها می‌توان به‌وضوح تشخیص داد.

**۴-۳. دوره صفوی:** پادشاهی صفوی، از سال ۹۰۷ ه.ق (۱۵۰۱ م.) توسط شاه اسماعیل اول و بر مبنای ایدئولوژی شیعه در تبریز بنیان‌گذاری شد. اگرچه آغاز این دوره کاملاً مشخص است اما در بین تاریخ‌نویسان بر سر پایان این دوره اتفاق‌نظر نیست. گروه عمده‌ای از مورخان، تسخیر اصفهان به دست افاغنه در ۱۱۳۵ ه.ق (۱۷۲۲ م.) را پایان سلسله صفوی می‌دانند درحالی‌که برخی دیگر، به‌درستی معتقدند که پایان این سلسله را باید با اتمام پادشاهی شاه اسماعیل سوم، توسط کریم‌خان زند در ۱۱۸۷ ه.ق (۱۷۷۴ م.) یکی دانست. برحسب ثبات سیاسی، در هر دوره‌ای از این سلسله، جهانگردانی به ایران سفر کرده‌اند. (جدول ۲)



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

جدول ۲. سلسله صفوی و جهانگردان هر دوره به تفکیک پادشاهی.

| دوره | پادشاه | مدت حکومت | | جهانگردان |
|---|---|---|---|---|
| | | هجری قمری | میلادی | |
| دوره اول: بنیان‌گذاری | شاه اسماعیل یکم | ۹۳۰- ۹۰۷ | ۱۵۲۴- ۱۵۰۱ | --- |
| | شاه‌تهماسب یکم | ۹۸۴- ۹۳۰ | ۱۵۷۶- ۱۵۲۴ | نصوح مطراقچی ۹۴۰ ه.ق<br>سیدی علی رئیس (کاتبی) ۹۶۴ ه.ق |
| دوره دوم: تثبیت | شاه اسماعیل دوم | ۹۸۵- ۹۸۴ | ۱۵۷۷- ۱۵۷۶ | --- |
| | شاه سلطان محمد | ۹۹۵- ۹۸۵ | ۱۵۸۷- ۱۵۷۷ | --- |
| دوره سوم: اوج | شاه‌عباس اول (کبیر) | ۱۰۳۸- ۹۹۶ | ۱۶۲۹- ۱۵۸۷ | برادران شرلی ۱۰۰۸ ه.ق<br>فن‌در یابل ۱۰۱۳ ه.ق<br>فیگوئروا ۱۰۰۶ ه.ق<br>پیترو دلاواله ۱۰۲۵ ه.ق<br>کاتف ۱۰۳۲ ه.ق<br>هربرت و استودارت ۱۰۳۶ ه.ق |
| | شاه صفی یکم | ۱۰۵۲- ۱۰۳۸ | ۱۶۴۲- ۱۶۲۹ | اولیا چلبی ۱۰۵۰ ه.ق<br>تاورنیه ۱۰۴۱ ه.ق |
| | شاه‌عباس دوم | ۱۰۷۷- ۱۰۵۲ | ۱۶۶۶- ۱۶۴۲ | الئاریوس ۱۰۶۴ ه.ق<br>شاردن ۱۰۷۴ ه.ق<br>دلاند ۱۰۷۵ ه.ق |
| | شاه سلیمان یکم (صفی دوم) | ۱۱۰۵- ۱۰۷۷ | ۱۶۹۴- ۱۶۶۶ | آبه کاره ۱۰۸۳ ه.ق<br>سانسون ۱۰۹۴ ه.ق<br>کمپفر ۱۰۹۴ ه.ق |
| دوره چهارم: افول | شاه سلطان حسین | ۱۱۳۵- ۱۱۰۵ | ۱۷۲۲- ۱۶۹۴ | فیدالگو ۱۱۰۸ ه.ق<br>کاری ۱۱۰۹ ه.ق<br>ماری کلود پتی ۱۱۱۷ ه.ق<br>کروسینسکی ۱۱۱۹ ه.ق |
| **حمله افغان‌ها در ۱۱۳۵ ه.ق (۱۷۲۲ م.)** | | | | |
| دوره پنجم: بقا | شاه‌تهماسب دوم | ۱۱۴۵- ۱۱۳۵ | ۱۷۳۲- ۱۷۲۲ | --- |
| | شاه‌عباس سوم | ۱۱۴۸- ۱۱۴۵ | ۱۷۳۶- ۱۷۳۲ | ژان اوتر ۱۱۴۸ ه.ق |
| **دوره افشاریه ۱۱۶۳- ۱۱۴۸ ه.ق (۱۷۹۶- ۱۷۳۶ م.)** | | | | |
| | شاه سلیمان دوم | ۱۱۶۳ | ۱۷۵۰- ۱۷۴۹ | |
| **دوره زندیه ۱۲۰۹- ۱۱۷۹ (۱۷۹۴- ۱۷۵۱ م.)** | | | | |
| | شاه اسماعیل سوم | ۱۱۸۷- ۱۱۶۳ | ۱۷۷۴- ۱۷۵۰ | کارستن نیبور ۱۱۷۸ ه.ق |

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

## ۵. یافته‌های پژوهش

از ۲۵ عنوان سفرنامه در گستره تاریخی تحقیق، مطالبی هم‌سو با پرسش تحقیق استخراج و به شرح دسته‌بندی شده‌اند.

### ۵-۱. شهرهای ایران

**۵-۱-۱. سیمای شهری:** مهم‌ترین صفتی که اغلب سفرنامه‌نویسان برای شهرهای ایران برشمرده‌اند، نازیبایی است. عدم توجه به سیمای شهری، یکی از موضوعاتی است که در نگاه اول و حتی پیش از رسیدن به شهر، به چشم جهانگردان می‌آمده و چون با انتظارات ایشان هم‌خوانی نداشته است از آن تعجب می‌کرده‌اند. این امر در مورد شهر اصفهان، به‌عنوان پایتخت بیشتر موردتوجه بوده است. (جدول ۳)

جدول ۳. **توصیف شهرهای ایران بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.**

| متن قرائت‌شده | گزاره‌های استخراج‌شده |
|---|---|
| کوچه‌ها عاری از هرگونه زیبایی و خانه‌ها بدقواره بودند. به‌طوری‌که این شهر [شیراز] که دورنمایی زیبا و شکوهمند داشت، همچون بیشتر شهرهای مشرق زمین، از نزدیک بسیار حقیر و بی‌مقدار می‌نمود (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱). | کوچه‌های نازیبا<br>خانه‌های بدقواره<br>شهر حقیر و بی‌مقدار |
| در اینجا نیز گروهی زن را با چادرهای سفید بر بام‌ها و پنجره‌های بسیار تنگ خانه‌ها که حصیر یا کرکره‌های بدساخت داشتند مشاهده کردیم (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱). | پنجره‌های تنگ<br>کرکره‌های بدساخت |
| اصفهان پایتخت شاهنشاهی ایران است. شهری است بزرگ و زیبا با دیوارهای زشت و شبیه به حصارهای گلی اطراف باغ‌ها (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۲). | دیوار [حصار] های زشت |
| خانه‌ها [ی اصفهان] از بیرون زیبا نیست ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۷). | خانه‌های نازیبا |
| از گزارشی که از نوشته چند سیاح درباره اصفهان به من داده‌اند که اصفهان را شهری بسیار زیبا توصیف کرده‌اند من نمی‌توانم تصور کنم که چه چیز زیبایی توانسته‌اند مشاهده کنند زیرا به استثنای میدان بزرگی که مقابل قصر شاه است و خیابان طویلی که به جلفا می‌رود بقیه اصفهان چیز دیدنی ندارد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸ و ۳۹). | شهر نازیبا |
| شهر [اصفهان] بدنما است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۴). | شهر بدنما |
| اصفهان به‌طورکلی به‌جز میدان شاه و چند بازار ... بیشتر به دهکده‌ای شبیه است تا به شهر (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸). | شهر شبیه به دهکده |
| کوچه‌ها به‌جای آن‌که به خط مستقیم باشند به‌طور مارپیچ ادامه می‌یابند و خانه‌ای از خانه دیگر پیشتر می‌رود و این به چشم کاملاً نامطبوع است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸). | کوچه‌های نازیبا |
| اما شهر [شیراز] هیچ زیبا نیست و بیشتر چون نیمه‌خرابه‌ای به نظر می‌رسد ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۴). | شهر نازیبا<br>شهر نیمه‌خرابه |
| کوچک‌ترین خانه شهر پالرمو به‌مراتب از خانه‌های گلی و تنگ و تاریک این شهر [اصفهان] بهتر و زیباتر است (کاری، ۱۳۴۸: ۶۴). | خانه‌های نازیبا |
| این دروازه‌ها خیلی کوچک و به حدی بدریخت‌اند که هیچ شباهتی به دروازه شهر بزرگ یا پایتختی چون اصفهان ندارند (کاری، ۱۳۴۸: ۶۳). | دروازه‌های کوچک و بدریخت |

به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی نازیبایی سیمای شهرها، عدم توجه حکومت به مسئولیت‌های خود در قبال مدیریت شهرها بوده است. رسیدگی به معابر و سیمای شهری اساساً از وظایف مدیریت شهر است که در آن روزگار، بخشی از حاکمیت تلقی می‌شده است؛ اگرچه هیچ‌یک از سفرنامه‌نویسان، ذکری از نقش حاکمیت به میان نیاورده باشند.

علت دوم را شاید بتوان توجه عموم مردم به داخل خانه دانست. ایرانیان عموماً بنا به برخی باورهای عرفی و دینی، از جمله اجتناب از فخرفروشی و رعایت حال همسایگان، به داخل خانه بیش از نمای خارجی آن توجه داشته‌اند. اولئاریوس به نقاشی‌های داخل خانه‌ها اشاره کرده است (الئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴) که خانه‌های برجای مانده از آن روزگار نیز مؤید آن هستند. شاردن نیز صراحتاً بیان می‌کند: «... [ایرانیان] داخل اتاق‌هایشان باشکوه و زیبا و فرح‌بخش و دل‌آسا» است (شاردن، ۱۳۳۰: ۱۲۴).



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

دلاواله اما مفصل‌تر به موضوع تزیینات داخلی خانه‌ها و کاخ‌ها پرداخته است: «زیبایی این خانه بیشتر ناشی از آن است که تمام دیوارها، از صدر تا ذیل، تذهیب و با مینیاتورهای بسیار ظریف و الوان، منقش شده است و در بین طلاکاری‌ها و رنگ‌های مختلف در بعضی نقاط روی دیوار کنده‌کاری‌هایی شده که واقعاً زیبایی خاصی دارد؛ مضافاً به اینکه دیوارها نمی‌دانم از گچ مخصوص یا چه ماده دیگری به وجود آمده‌اند که علاوه بر یکپارچگی و صافی، درخشش و جلای خاصی دارند و گویی از حریر سفیدند و روی آن‌ها نه‌تنها خطوط سیاه کنده‌کاری، بلکه برق طلایی و رنگ لاجوردی و رنگ‌های تند دیگری که به‌کار رفته، فوق‌العاده جلب نظر می‌کند. طرح‌ها زیاد هنرمندانه نیست ولی پرخرج و پرکار است. سقف‌ها نیز مزین به طلاکاری و نقش‌ونگار مختلف و گچ‌کاری و فرورفتگی و برآمدگی‌هایی است که با سلیقه خاص و غیرمأنوس به وجود آمده و سطح هریک از سقف‌ها به قسمت‌های مختلفی تقسیم شده که تزئینات هر یک با دیگری متفاوت است و در حقیقت به اندازه‌ای سقف‌ها زیباست که باید از طرف ما ایتالیایی‌ها مورد تقلید قرار گیرد. بعضی پنجره‌ها نیز واقعاً شایسته تقلید است ...» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۵- ۴۴).

برخی اعتقادات و باورهای مذهبی ایرانیان نیز در نازیبایی سیمای شهرها و عدم وجود ساختمان‌های مرتفع، همچون اروپا، بی‌تأثیر نبوده است. تاورینه در سفرنامه خود چنین نوشته است که: «ایرانیان اگر بخواهند، به‌خوبی می‌توانند شیشه‌های بلورین شفاف بسازند اما ... آن‌ها را به‌گونه‌ای می‌سازند که زنان در اندرون خانه از پشت آن‌ها دیده نشوند.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۷ و ۳۸).

سانسون معتقد است: «ترکان عثمانی، ملاهای خود را ... وادار می‌کنند بر روی این مناره‌ها بروند و اذان بگویند ... ولی ایرانیان در زیر این مناره‌ها، ملاها را به اذان گفتن وا می‌دارند زیرا می‌ترسند اگر ملاها بر مناره‌ها بالا روند، زن‌هایشان را در منازل و باغ‌های اطراف مناره تماشا کنند.» (سانسون، ۱۳۴۶: ۷۰). این موضوع بعدها توسط کمپفر نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «... اما اصفهانی‌های حسود فقط اجازه می‌دهند که مؤذنین تا بام مسجد بالا روند و استدلال‌شان این است که در غیر این‌صورت، ممکن است چشم آن‌ها به زنان و عورت همسایگان بیفتد.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۹).

**۲-۱-۵. کوچه‌ها و معابر:** سفرنامه‌نویسان کوچه‌ها و معابر ایران را با صفاتی همچون نازیبا، پیچ‌درپیچ، تنگ، ناصاف، کج‌ومعوج، نامساوی، بسیار تاریک، بدون سنگ‌فرش، مارپیچ، کثیف و غرق در کثافت توصیف کرده‌اند. این توصیف‌ها را می‌توان در دو دسته کلی به شرح زیر تقسیم کرد.

**الف. نظم:** آنچه از بی‌نظمی کوچه‌ها از لحاظ کالبدی مورد نقد جهانگردان قرار گرفته، در جدول ۴ خلاصه شده است.

جدول ۴. **توصیف کوچه‌ها و معابر ایران از منظر نظم، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.**

| متن قرائت‌شده | گزاره‌های استخراج‌شده |
|---|---|
| [شیراز] پس از ... گذشتن از کوچه‌های پیچ‌درپیچ ... به میدانی ... رسیدیم (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱) | کوچه پیچ‌درپیچ |
| ... ورود به شهر [اصفهان] را آغاز کردیم و از کوچه‌هایی تنگ ... گذشتیم (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۴). | کوچه تنگ |
| [اصفهان] کوچه‌ها چنان تنگ و ناصاف و کج‌ومعوج هستند که ... (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۱). | کوچه تنگ، ناصاف، کج‌ومعوج |
| [اصفهان] کوچه‌ها تنگ و نامساوی و اغلب بسیار تاریک هستند به‌طوری‌که ... کورمال‌کورمال باید قدم برداشت (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۴). | کوچه تنگ، نامساوی، تاریک |
| کوچه‌های اصفهان مانند همه شهرهای ایران بدون سنگ‌فرش است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵). | کوچه بدون سنگ‌فرش |
| کوچه‌ها به جای آن‌که به خط مستقیم باشند به‌طور مارپیچ ادامه می‌یابند ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸). | کوچه مارپیچ |
| کف گذرگاه‌های شهر [قزوین] کوبیده و سنگ‌فرش نشده است ... (الئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴). | کوچه بدون سنگ‌فرش |
| ... در صورتی که کوچه‌های سایر بلاد ایران، تنگ و کثیف و کج‌ومعوج و بدون سنگ‌فرش است (شاردن، ۱۳۳۰: ۴). | کوچه تنگ، کج‌ومعوج، کوچه بدون سنگ‌فرش |
| کوچه‌های اصفهان سه عیب مهم قابل‌توجه دارد. اول آن‌که کوچه‌ها اغلب مسقف و یا گود است ... (شاردن، ۱۳۳۰: ۵). | کوچه مسقف، کوچه گود |
| شهر [اصفهان] بر دشت یکنواختی قرار دارد ... کف آن را سنگ‌فرش نکرده‌اند ... (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۱). | کوچه بدون سنگ‌فرش |
| در تمام ایران، یک کوچه یا خیابان سنگ‌فرش وجود ندارد ... (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴). | کوچه بدون سنگ‌فرش |
| کوچه‌های اصفهان، همه تنگ و تاریک و ... است (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳). | کوچه تنگ، کوچه تاریک |
| [کاشان] کوچه‌ها غالباً زیبا و آبادند ... (کارری، ۱۳۴۸: ۵۸). | کوچه زیبا و آباد |

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

مهم‌ترین دلیل بی‌نظمی معابر و درنتیجه، بی‌نظمی شهرها را می‌توان قصور حکومت در انجام وظایف خود دانست. در گذشته، هیچ نظارتی برافزایش جمعیت شهرها از طریق مهاجرت وجود نداشته است؛ بنابراین افزایش جمعیت، سبب گسترش بی‌رویه شهرها و ساخت‌وسازهای بی‌نظم بوده است. افزایش جمعیت به حدی بوده است که اغلب جهانگردان از شلوغی شهرها به تنگ آمده بودند. الئاریوس می‌نویسد: «در زمان شاه‌عباس بزرگ، به سبب ساختن منازل بسیار، بیشتر کوچه‌ها و خیابان‌ها چنان تنگ شد که مخصوصاً نزدیکی‌های میدان و بازار که رفت‌وآمد زیاد است، عابران به‌زحمت می‌توانند از کنار یکدیگر بگذرند.» (الئاریوس، ۱۳۶۳: ۲۳۸). شاردن هم از این وضعیت، لب به گلایه گشوده است: «چیزی که موجب ناراحتی است، آن است که اکثر این بازارها تنگ بوده و جمعیت انبوهی در آن‌ها در رفت‌وآمدند.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۸).

**ب. نظافت:** مهم‌ترین مواردی که درباره نظافت و پاکیزگی کوچه‌ها و معابر، مورد نقد سفرنامه‌نویسان قرار گرفته در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. **توصیف کوچه‌ها و معابر ایران از منظر نظافت، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.**

| متن قرائت‌شده | گزاره‌های استخراج‌شده |
|---|---|
| [شیراز] پس از ... گذشتن از کوچه‌های ... پر گردوخاک به میدانی ... رسیدیم (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱) | گردوخاک |
| این کوچه‌ها [اصفهان] اغلب پر از کثافت و زباله و حیوانات مرده‌ای است که بدان جا می‌اندازند و باعث بوی گند و تعفنی بزرگ می‌شود و ... ممکن است طاعون ایجاد کند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۴). | کثافت، زباله، لاشه حیوانات، بوی گند و تعفن، امکان ابتلا به بیماری |
| [اصفهان] زیرا در تابستان گردوخاکی که اندک بادی آن را از این کوچه به آن کوچه می‌برد در چشم فرو می‌رود ... این گردوخاک کوچه‌ها که در تابستان سبب ناراحتی است در زمستان به گل‌ولای تبدیل می‌شود که به هنگام باریدن باران یا آب شدن برف تا وسط ساق پا می‌رسد (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵). | گردوخاک، گل‌ولای |
| ... گهگاه در کوچه‌ها گودال‌های کوچکی در پای دیوارها دیده می‌شود که ایرانیان بدون هیچ شرمی برای ادرار کردن در حضور همه، کنار آن گودال‌ها سرپا می‌نشینند ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵). | فضولات انسانی |
| آنچه باز به کثافت کوچه‌های اصفهان می‌افزاید این است که قصابان خون و فضولات حیوانات کشته را در آن‌جا رها می‌کنند و همه این کثافت‌ها در آن‌جا می‌ماند ... اگر اسب و شتری یا قاطر و خری سقط شود آن‌ها را در کوچه می‌اندازند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۵). | خون، فضولات، لاشه حیوانات |
| ... گذرگاه‌های شهر [قزوین] ... هنگام وزش باد حتی به آرامی، شهر را گردوغبار فرا می‌گیرد (الئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۵۴). | گردوخاک |
| ولی کوچه‌ها ... سرگین و کثافت و گردوغبار به اندازه کوچه‌های شهرهای ممالک اروپایی ندارد (شاردن، ۱۳۳۰: ۴). | کثافت، گردوخاک |
| کوچه‌های اصفهان ... فضولات مستراح‌ها در گودال‌هایی که زیر دیوار منازل است وارد می‌شود... معذلک کوچه‌های شهر به آن اندازه که تصور می‌شود کثیف نیست (شاردن، ۱۳۳۰: ۵). | فضولات انسانی |
| [اصفهان] ... چون برف و باران در این دیار کم است هرگاه خیابان را مرتب آب‌پاشی نکنند گردوغبار زیاد است و این امری است که اصفهانی‌ها آن را خیلی عادی تلقی می‌کنند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۱). | گردوخاک |
| این خاکروبه و کثافات شهر با ناتمیزی‌های بی‌شمار دیگر می‌آمیزند و وضع غیرقابل‌تصوری ایجاد می‌کنند. لاشه حیوانات سقط‌شده را بدون مانع و پروا به وسط کوچه و بازار می‌اندازند و خون حیوانات را در سر هر کوی و برزن می‌ریزند. باورنکردنی این‌که اشخاص ممیز و بالغ، هرجا که دل‌شان بخواهد برای رفع حاجت می‌نشینند (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴). | زباله، کثافت، لاشه حیوانات، فضولات انسانی |
| کوچه‌های اصفهان، همه تنگ و تاریک و ناتمیز و اغلب ... غرق در کثافت است. تابستان اصفهان به‌علت وجود گردوغبار و باد دائمی، بسیار نامطبوع است. در زمستان هم گل و کثافت کوچه‌ها به آخرین حد می‌رسد و زندگی را دشوار می‌سازد (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳). | کثافت، گردوخاک، گل‌ولای |

بدیهی است که عدم نظارت حکومت، علاوه بر نازیبایی سیمای شهرها و بی‌نظمی کالبدی معابر، به کثیفی شهرها نیز منجر می‌شده است؛ اما در موضوع عدم رعایت بهداشت، سهم شهروندان بسیار بیش از حکومت است. اغلب یافته‌های تحقیق در این موضوع نشان می‌دهند که تأثیری که شهروندان بر کثیفی معابر داشته‌اند غیرقابل توجیه است و حکومت



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

اگرچه برای هر صنفی، محتسب و ناظر بر سر کار می‌گمارده اما نمی‌توانسته است از پس نظارت بر همه شهروندان برآید

**۲-۵. بناها و عمارات:** در میان توصیف‌های پرشمار از شکوه و عظمت و زیبایی‌های معماری ایران که در اغلب سفرنامه‌ها به چشم می‌آیند، برخی از سفرنامه‌نویسان از منظری دیگر نیز به عمارت‌ها و بناهای ایران توجه داشته‌اند. مهم‌ترین نقدی که در این زمینه به معماری ایران وارد شده، مخروبه و ویرانه بودن بناها بوده است. تعداد بناهای خراب و نیمه‌خراب به حدی بوده که توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است. (جدول ۶)

جدول ۶. **توصیف خرابی بناها و عمارت‌های ایران، بر اساس سفرنامه‌های سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری.**

| متن قرائت‌شده | گزاره‌های استخراج‌شده |
|---|---|
| تبریز شهری بزرگ است که ... به طوری‌که قبلاً هم گفته شد سراسر از سنگ و آجر ساخته شده است اما قسمت‌هایی از آن خراب و ویران است (فن در یابل، ۱۳۵۲: ۵۴). | شهر خراب و ویران |
| مساجدی که امروز فاقد این‌گونه تزیینات هستند در گذشته چنین نبوده‌اند و به سبب عدم دقت ایرانی‌ها در نگاه‌داری این‌گونه آثار، در طول زمان دستخوش خرابی شده‌اند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۴). | عدم نگهداری |
| ... ورود به شهر [اصفهان] را آغاز کردیم و از کوچه‌هایی تنگ که در اطراف آن‌ها خانه‌هایی نیمه‌خراب و بدساخت‌تر از خانه‌های شیراز وجود داشت گذشتیم (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۰۹). | خانه‌های نیمه‌خراب |
| شهر اصفهان از جهت زمان تأسیس بسیار قدیمی‌تر و بزرگ‌تر از شیراز است اما در زیبایی به پای آن نمی‌رسد و نیمه‌خراب است ... در این شهر مساجد بسیار هست اما هیچ‌یک از آن‌ها از لحاظ زیبایی، ممتاز نیست بلکه برعکس، همه این مساجد نظیر خانه‌های شخصی در شرف خرابی و انهدام‌اند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۱۱). | شهر نیمه‌خراب، مساجد و خانه‌های در شرف خرابی |
| این مسجد [مسجد ساخته امامقلی خان در اصفهان] از بیرون نسبتاً زیبا می‌نماید ولی در درون شروع به ویرانی کرده است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۵). | مسجد در شرف ویرانی |
| دو طرف خیابان [در شیراز] دیوار داشته که امروز در بیشتر مواضع، خراب شده است. خیابان به باغی منتهی می‌شود که آن را باغ شاه می‌نامند. برروی سردر این باغ، تالار نیمه‌ویرانی هست و در انتهای خیابان بزرگ ... عمارت نسبتاً زیبایی قرار دارد که در نگهداری‌اش غفلت شده است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۶). | عمارت نیمه‌خراب |
| در شیراز مسجدی قدیمی هست که مقبره سعدی در آن‌جاست ... این مسجد در گذشته بسیار زیبا بوده ... ولی همه این‌ها مانند بسیاری از ساختمان‌های دیگر شهر، رو به ویرانی است (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۸). | مسجد در شرف ویرانی |
| کاخ ساروتقی که یکی از زیباترین کاخ‌های ایران بود، پس از مرگ وی، به حال ویرانی افتاد ... (شاردن، ۱۳۳۰: ۲۰). | مسجد ویران |
| امروز این کاخ [کاخ سلطنتی سابق اصفهان] چندان ویران است که خرابه‌های آن نیز به چشم نمی‌آید (شاردن، ۱۳۳۰: ۹۸). | کاخ ویران |
| در جوار این مسجد [تبریز] یک بنای دیگری نیز هست که معاصر و از حیث معماری، شبیه به همین مسجد است و فعلاً رو به خرابی می‌رود (کاری، ۱۳۴۸: ۲۳). | عمارت در شرف ویرانی |

از نظر جهانگردان، مخروبه بودن بناها دلایل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین آن، سنت ایرانیان باشد. تاورنیه در این باره می‌نویسد: «ایرانیان ... بیشتر دوست دارند که ساختمانی جدید بسازند نه این‌که عمارت کهنه‌ای را بازسازی کنند. ازاین‌جهت، با مضایقه از مختصر تعمیر، می‌گذارند تا عمارت خراب شود.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۹). شاردن نیز به این موضوع اشاره کرده است: «ایرانیان همین‌قدر که ثروتی به دست آوردند سعی می‌کنند خانه مجللی بنا کرده و از ثروت خود بهره‌مند شوند ... ایرانیان سکونت در خانه‌ای را که پدرشان در آن فوت کرده است ... باشگون نمی‌دانند ... و هرکس به بهانه این‌که خانه پدری یا بزرگ است و مناسب با زندگی او نیست و یا کوچک است و رفع حوائج او را نمی‌کند، خانه جدیدی ... می‌سازد.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۸ و ۹).

بهره‌گیری ایرانیان از مصالح بومی نیز یکی دیگر از دلایل عمر کم ساختمان‌ها بوده است. تاورنیه چندین بار به این موضوع اشاره داشته است: «حصارهای اصفهان از خشت خام ... است ... چون حصارها از خشت است در چندین محل قسمت‌های بزرگی از آن فرو ریخته ... است. ده باب دروازه دارد که آن‌ها هم از خشت و گل بدون استحکامات دفاعی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۳ . زمستان ۱۴۰۲
Urban managment
No.73 Winter 2024



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۱). وی در جای دیگری نیز این موضوع را یادآوری می‌کند: «قلعه اصفهان که بنای چندان قابل‌توجهی نیست ... تماماً از گل و خشت است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۸).

جالب آن‌که تاورنیه حتی از عمارت میدان شاه نیز انتقاد می‌کند و صراحتاً خشت خام را عامل خرابی بنا برمی‌شمارد: «میدان شاه [اصفهان] فضایی بزرگ است ... چهار طرفش ساخته شده است ... دورتادور دارای غرفه‌ها ... روی غرفه‌ها، ایوان‌هایی است که ... رو به ویرانی است زیرا از خشت خام ساخته شده است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۴۹). وی حصار شیراز را نیز چنین توصیف کرده است: «[شیراز] سابق بر این حصاری خشتی داشته اما تقریباً فرو ریخته و توجهی به بازسازی آن نشده است.» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۳۴).

شاردن در توصیف حصار شهر اصفهان چنین می‌گوید که: «طول باروها و دیوارهای شهر اصفهان بیست هزار پا و از گل ساخته شده است.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۴). کارری نیز به همین امر اشاره کرده است: «استحکامات این شهر مهم [اصفهان] عبارت است از یک حصار گلی و ...» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۳). البته کارری وضعیت خانه‌ها را نیز همچون حصار شهر ذکر کرده است: «همه خانه‌ها گلی هستند و فقط تعدادی آجر در آن‌ها به کار رفته است. این خانه‌ها که در اثر باران زود شکاف برمی‌دارند، به‌وسیله مشتی خاک و گچ تعمیر می‌شوند.» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).

سفرنامه‌نویسان در برخی موارد به اعتقادات دینی و مذهبی نیز اشاره کرده و بعضی از خرابی‌ها را به مذهب نسبت داده‌اند. شاردن به وضعیت نامناسب عبادتگاه‌های یهودیان اشاره می‌کند: «یهودیان اصفهان سه کنیسه دارند که آن‌ها را نمی‌توان کنیسه نامید بلکه نمازخانه‌هایی بیش نیستند.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۸۱). کارری اما بنا به اغراض سیاسی خود، به اختلاف میان شیعه و سنی اشاره می‌کند: «کف این مسجد عالی را که این‌همه وسایل و لوازم قیمتی در بنای آن صرف شده است، یکپارچه حصیر مندرس پوسیده مفروش می‌کند، چه مسلمان‌های ایران به این مسجد که توسط اهل سنت بنا شده است، به نظر حقارت می‌نگرند.» (کارری، ۱۳۴۸: ۲۳). وی در ادامه به مسجد دیگری در تبریز اشاره می‌کند که: «این مسجد [مسجد عثمانلو] که یکی از زیباترین مساجد تبریز است، بدبختانه به بهانه این‌که از طرف یک نفر سنی ... بنا شده مورد تحقیر و بی‌علاقگی شیعیان است و به همین جهت، این شاهکار صنعت و بنای تاریخی، رو به خرابی می‌رود.» (کارری، ۱۳۴۸: ۲۸).

**۳-۵. سایر موارد:** از موارد دیگری که مورد نقد سفرنامه‌نویسان بوده است می‌توان به وسایل خانه اشاره کرد. رابرت شرلی چنین نوشته است که: «در این‌جا [ایران] صندلی ندارند و ما برروی قالی‌ها نشستیم. من نمی‌توانستم به طرز آن‌ها دوزانو بنشینم، چهارزانو نشستم. آن‌وقت سفیر عثمانی به پادشاه گفت که رسم انگلیس‌ها بر این است که برروی صندلی می‌نشینند.» (شرلی، ۱۳۸۷: ۶۳). تاورنیه نیز به این موضوع اشاره کرده و از نبود تختخواب گلایه داشته است: «ایرانیان مانند همه شرقیان دیگر، اطلاعی از تختخواب‌های بلندتر از کف زمین ندارند. وقتی که می‌خواهند بخوابند روی کف اتاق که پوشیده از قالی است یک تشک یا لحاف ... می‌گسترند ... (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸). کمپفر نیز در مقایسه با وسایل خانه در غرب، بر این موضوع تأکید کرده است که: «در خانه‌های ایران، بی‌جهت به دنبال میز، صندلی، نیمکت و سایر لوازم خانه مختص اتاق، مطبخ و اصطبل که در مغرب‌زمین رواج دارد، نباید گشت.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

از دیگر موضوعاتی که مورد نقد جهانگردان واقع شده است می‌توان به هزینه‌های ساخت‌وساز و تعمیرات اشاره کرد. شاردن هزینه تعمیر و نگهداری را آن‌قدر زیاد می‌داند که معتقد است شاه (عباس دوم) نیز از عهده تأمین این هزینه‌ها برای کاخ‌های خود برنمی‌آید: «هزینه نگهداری این عمارات [کاخ‌ها] برای شاه بیشتر از سود آن است زیرا ... بیشتر اوقات سال، خالی از سکنه است و متدرجاً رو به خرابی می‌رود.» (شاردن، ۱۳۳۰: ۶۴). کارری نیز با اشاره به دستمزدها، ساخت‌وساز و بنایی کردن را امری گران برشمرده است: «دستمزد بنا روزانه چهل شاهی و دستمزد کارگر روزانه بیست شاهی است و بدین‌جهت برای یک کار کوچک بنایی، باید متحمل هزینه بالنسبه زیادی شد.» (کارری، ۱۳۴۸: ۶۴).

موضوع دیگری که مورد نقد واقع شده، نازیبایی نقاشی‌های بناها است. دلاواله اگرچه بسیار شیفته نقش‌ونگار موجود در بناهای ایران شده است و حتی اذعان دارد که ایتالیایی‌ها باید در این زمینه از ایرانیان بیاموزند (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۵) اما بلافاصله و محتاطانه لب به انتقاد می‌گشاید و به ضعف هنر نقاشی ایرانیان اشاره می‌کند: «... این نقاشی‌ها با وجود رنگ‌های ظریف، بسیار ناشیانه ترسیم شده و مانند این است که به دست اشخاص بی‌اطلاع از هنر به وجود آمده‌اند ...» (همان: ۴۶).

## ۶. تحلیل و تفسیر

**۶-۱. تحلیل سفرنامه‌ها:** برای تفسیر دقیق از یافته‌های مرتبط با پرسش تحقیق و اعتبارسنجی گزاره‌های سفرنامه‌نویسان، ابتدا باید تحلیل درستی از سفرنامه‌ها و مطالب مندرج در آن‌ها به دست داد تا در داوری گزاره‌ها راه به خطا نپیمود. از منظر محتوا، ۱۱ عنوان سفرنامه‌ای که در آن‌ها به نقد معماری و شهرسازی ایران پرداخته شده



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

است را می‌توان در سه دسته قرار داد. بدیهی است اعتبار نقدها نیز بر اساس محتوای سفرنامه‌ها قابل ارزیابی هستند.

**الف. سفرنامه‌های با محتوای سیاسی:** دسته نخست، سفرنامه‌هایی هستند که بنا به شغل و مأموریت نویسنده، محتوای سیاسی دارند و بنابراین گزاره‌های این سفرنامه‌ها که در جهت اهداف و اغراض سیاسی دولت متبوع‌شان نگاشته شده‌اند، باید با دقت بیشتری تفسیر شوند. سفرنامه‌های برادران شرلی، پیترو دلاواله، کاتف، فیگوئروا و ایترپرسیکوم از این جمله، به‌شمار می‌آیند.

**ب. سفرنامه‌های با محتوای اجتماعی و فرهنگی:** این قبیل سفرنامه‌ها که نویسندگان‌شان بازرگان، جهانگرد یا نویسنده بوده‌اند، غالباً به مسایل اجتماعی و فرهنگی بیش از موضوعات سیاسی و حکومتی پرداخته و سعی در ارائه تصویری از شیوه زندگی ایرانیان داشته‌اند. سفرنامه‌های آدام الئاریوس، تاورنیه، سانسون و کارری از این جمله‌اند. در این سفرنامه‌ها اگرچه مشاهدات عینی نویسندگان در باب بناها و شهرها قابل تأمل‌اند اما گزاره‌های ذهنی ایشان فاقد اعتبار لازم است.

**پ. سفرنامه‌های جامع:** این دسته از سفرنامه‌ها به علت حضور طولانی‌مدت نویسنده در ایران و اشراف وی بر سیاست، جامعه و فرهنگ، به تمامی شؤون زندگی ایرانیان توجه داشته‌اند. در نمونه‌های موردمطالعه، سیاحت‌نامه شاردن و سفرنامه کمپفر از آن جمله‌اند. لازم به توضیح است که با وجود اقامت طولانی در ایران و تکلم به زبان فارسی، شاردن و کمپفر هم در تحلیل بسیاری از موارد دچار اشتباه شده‌اند.

به‌طور خلاصه، در تفسیر یافته‌های تحقیق علاوه بر هدف سفر و مأموریت نویسنده، باید به مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک اعتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه نیز توجه داشت.

**۶-۲. تفسیر یافته‌ها:** به‌طورکلی، متن سفرنامه‌ها و گزاره‌های استخراج‌شده از آن‌ها را می‌توان در دو دسته عبارات عینی و عبارات ذهنی قرار داد. آنچه سفرنامه‌نویس به چشم دیده و به رشته تحریر درآورده است را باید عبارت عینی دانست، همچون بی‌نظمی و کثیفی کوچه‌ها؛ زیرا نویسنده بدون واسطه به درک از پدیده رسیده است؛ اما آنجا که نویسنده برای درک و توصیف یک پدیده، نیازمند تفکر، مطالعه، گفتگو و ... بوده و اطلاعات باواسطه به وی می‌رسیده، لاجرم آنچه نگاشته، عبارت ذهنی بوده است نظیر آنچه درباره حسود بودن مردان مسلمان یا بی‌توجهی به مسجد اهل تسنن و ... نگاشته شده است. بر این اساس، عبارات عینی و ذهنی سفرنامه‌های موردمطالعه به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند.

**جدول ۷. دسته‌بندی یافته‌ها بر اساس عبارات عینی و ذهنی.**

| موضوع | عبارات عینی | عبارات ذهنی |
|---|---|---|
| **سیمای شهری** | کوچه‌های نازیبا، خانه‌های بدقواره، خانه‌های نازیبا، شهر نازیبا، شهر بدنما، پنجره‌های تنگ، کرکره‌های بدساخت، دیوارهای زشت، دروازه‌های کوچک و بدریخت، کوچه زیبا و آباد | شهر حقیر و بی‌مقدار، شهر شبیه به دهکده، عدم دید به اندرون خانه از پشت شیشه، ترس و حسادت مردان ایرانی درباره اذان گفتن مؤذن بر بلندای مناره‌ها |
| **نظم کوچه‌ها** | کوچه پیچ‌درپیچ، کوچه مارپیچ، کوچه تنگ، کوچه کج‌ومعوج، کوچه ناصاف، کوچه نامساوی، کوچه تاریک، کوچه بدون سنگ‌فرش، کوچه مسقف، کوچه گود | افزایش جمعیت و عدم نظارت حکومت بر ساخت‌وساز و توسعه شهرها |
| **نظافت کوچه‌ها** | گردوخاک، گل‌ولای کثافت، زباله، لاشه حیوانات، خون، فضولات حیوانی، فضولات انسانی، بوی گند و تعفن | امکان ابتلای به بیماری |
| **بناها و عمارات** | خانه‌های نیمه‌خراب، خانه در شرف خرابی، عمارت در شرف ویرانی، مسجد در شرف خرابی، مسجد در شرف ویرانی، عمارت نیمه‌خراب، مسجد ویران، کاخ ویران، شهر نیمه‌خراب، شهر خراب و ویران | عدم دقت ایرانی‌ها در نگاهداری بناها، سنت ایرانیان در ساخت بنای جدید به‌جای تعمیر و بازسازی، بهره‌گیری ایرانیان از خشت خام به‌عنوان مصالح اصلی ساختمان‌سازی، نقش تعصبات مذهبی ایرانیان در تخریب بناها |
| **سایر موارد** | نبودن وسایل خانه همچون صندلی، تختخواب، میز و ... برخلاف کشورهای غربی | هزینه‌های زیاد برای بازسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان، ضعف ایرانی‌ها در هنر نقاشی دیواری |



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

## نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق در قیاس با نتایج اغلب پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهند که به دلیل اینکه جهانگردان عموماً شیفته معماری ایران شده و بیش از آن‌که معماری و شهرسازی ایران را نقد کنند، زیبایی شهرها و عظمت و شکوه معماری ایران را توصیف کرده‌اند لذا پژوهشگران نیز عموماً هر یک، از منظری به بررسی و تحلیل همان توصیفات پرداخته و کمتر به نقد جهانگردان از شهرها و بناهای ایران توجه داشته‌اند.

در پاسخ به بخش نخست پرسش تحقیق که ناظر بر انتقادهای جهانگردان بر شهرها و بناها ایران است، پژوهش حاضر با مطالعه ۲۵ عنوان سفرنامه از سده‌های دهم تا دوازدهم هجری به گزاره‌هایی با ماهیت انتقادی درخصوص شهرها و بناهای ایران دست یافت. این گزاره‌ها در دو دسته کلی، معطوف به شهرها و بناهای ایران دسته‌بندی شده و مواردی همچون سیمای شهر، نظم کوچه‌ها، پاکیزگی معابر، مخروبه بودن بناها، عدم توجه به تعمیر و نگهداری، عدم وجود مبلمان داخلی، هزینه‌های ساخت‌وساز و مواردی دیگر را در برمی‌گیرند.

در پاسخ به بخش دوم پرسش تحقیق که ناظر بر اعتبار گزاره‌ها است، یافته‌های تحقیق در دو دسته عمده دسته‌بندی شده‌اند. نخست، عبارات عینی که حاصل درک و دریافت بی‌واسطه نویسنده از پدیده‌ها هستند؛ و دسته دوم، گزاره‌های ذهنی که بر اثر شناخت باواسطه پدیده‌ها حاصل شده‌اند. عبارات عینی، فارغ از ملیت یا هدف جهانگرد، به‌دفعات تکرار شده‌اند و از نظر اعتبار، گزاره‌هایی قابل‌اعتبار تلقی توانند شد؛ اما از آنجا که عبارات ذهنی به شنیده‌ها، باورها، تفسیرها و تحلیل‌های نویسنده اتکا دارند لذا در بررسی اعتبار علمی آن‌ها باید ملاحظاتی همچون هدف سفر و مأموریت نویسنده، مخاطب اصلی سفرنامه، عدم توانایی نویسنده در درک اعتقادات و باورهای ایرانیان، اغراض سیاسی و تعصبات نژادی، قومی و مذهبی نویسنده سفرنامه را نیز در نظر گرفت.

در مجموع باید چنین گفت که اگرچه پژوهشگران با کمبود منابع مکتوب در باب معماری و شهرسازی ایران مواجه‌اند و اگرچه سفرنامه‌ها منابعی غنی از داده‌ها درباره ایران و ایرانیان هستند اما ضرورت دارد هم شخصیت و مأموریت سفرنامه‌نویسان و هم محتوای سفرنامه‌های‌شان با تأمل و تفکر به کار گرفته شوند تا اعتبار علمی تحقیقات، زیر سؤال نرود.

## فهرست منابع


- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ابی زاده، سامان؛ پیربابائی، محمدتقی و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۸)، بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولئاریوس، هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، سال ۲۴، ش ۴، ۸۲- ۷۱.
- اعطا، علی؛ اعتصام، ایرج و شاه‌چراغی، آزاده (۱۳۹۹)، جستاری روایت پژوهانه پیرامون باغ ایرانی از نظرگاه متون و سفرنامه‌ها (نمونه موردی باغ‌های تهران در دوره قاجار)، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال ۱۲، ش ۱، ۲۸۰- ۲۴۷.
- الئاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه آدام الئاریوس (بخش ایران)، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- امامی کوپائی، سمانه (۱۴۰۲)، پژوهشی در باب زیبایی معماری عصر صفوی از نگاه جهانگردان؛ نمونه پژوهی پنج بنای شاخص اصفهان عصر صفوی، تاریخ، سال ۱۸، ش ۶۸، ۱۵۶- ۱۳۰.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ثواقب، جهانبخش؛ هادی، معصومه و مشکانی، لیلا (۱۳۹۷)، ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی عصر ناصری از منظر سیاحان غربی (۱۲۷۵- ۱۲۲۷)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۹، ش ۳۲، ۱۴۸- ۱۲۳.
- حسینی زاده مهرجردی، سیده سعیده (۱۳۹۷)، بازخوانی عناصر هویت‌بخش معماری و شهرسازی یزد در سفرنامه ابراهم جکسون، مطالعات ملی، سال ۱۹، ش ۱، ۱۳۰- ۱۱۱.
- حقیر، سعید و صلواتی، کامیار (۱۳۹۹)، تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوره قاجار، باغ نظر، سال ۱۷، ش ۸۳، ۱۴- ۵.
- خلخالی، سید محی‌الدین و کلهر، محمد (۱۴۰۱)، بازشناسی روح معماری ایرانی بر اساس گونه شناسی رفتاری ایرانیان عصر ناصری از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی، مطالعات هنر اسلامی، سال ۱۹، ش ۴۷، ۱۷۳- ۱۶۳.
- دلاواله، پیترو (۱۳۴۸)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سانسون، نیکلا (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون؛ وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی؛ و تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران، ترجمه تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- شاردن، ژان (۱۳۳۰)، سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان)، ترجمه حسین عریضی، تهران: چاپخانه راه نجات.
- شرلی، آنتونی (۱۳۸۷)، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه هوانس ماسی‌یان، به کوشش علی دهباشی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نگاه.
- عسگری، نسیم؛ ناسخیان، شهریار و ایزدی، محمدسعید (۱۳۹۸)، خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس با استناد بر سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۱۰، ش ۳۸، ۳۶- ۲۱.
- عین‌القضات همدانی (بی‌تا)، تمهیدات، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عفیف عسیران، بی جا: بی‌نا.




[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]

- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۱)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارسیان، محمدرضا و قاسمی آریان، فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش ۳۳، ۹۵- ۸۱.
- فن‌در یابل، ژرژ تکتاندر (۱۳۵۲)، ایتر پرسیکوم؛ گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول، ترجمه محمود تفضلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران زمین.
- فیگوئروآ، گارسیا د سیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوئروا؛ سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۲۵۳۶)، سفرنامه فدت آفاناس یوویچ کاتف، ترجمه محمدصادق همایونفرد، ویرایش عبدالعلی سیاوشی. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره‌کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیلی پور، مهدی و نژاد ابراهیمی، احد (۱۴۰۲)، بازشناسی عناصر سیمای شهر تفلیس بر اساس توصیف سیاحان در دوران قاجار، توسعه پایدار شهری، سال ۴، ش ۱۲، ۶۷- ۴۹.
- ورمقانی، حسنا (۱۴۰۱)، جستجوی مفهوم خانه ایرانی با تکیه بر انطباق توصیفات تاریخی و ساختار کالبدی؛ مطالعه خانه‌های یزد و اصفهان، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال ۷، ش ۱، ۱۹۱- ۱۷۳.
- ونگ، دیوید (۱۳۸۳)، تحقیق تفسیری- تاریخی در معماری، ترجمه مهرداد قیومی، صفه، سال ۱۴، ش ۳۹، ۱۰۱- ۶۷.

- Fisher, Alec (2011), Critical Thinking: An Introduction, Oxford University Press.
- Paul, Richard and Elder, Linda (2022), Critical Thinking: Tools for Taking Charge of Your Professional and Personal Life, 4th Edition, The Foundation for Critical Thinking.



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03 ]